

ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی‌آباد (کتس‌بس)

نادر زالی: دانشیار شهرسازی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
یوسف رحمتی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران*
نجمه چاره: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده

با تمرکز فقر در شهرها در طول چند قرن اخیر و به موازات صنعتی شدن جهان، جنبه‌های کالبدی فقر در قالب محله‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی عینیت یافت. برای حل این مسأله، رویکرد توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. این رویکرد، اجتماعات غیررسمی را نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی نگریسته تا توانمندسازی را جایگزین فرهنگ فقر بنماید. بنابراین تحقیق حاضر با تأکید بر مفاهیم و اصول توانمندسازی به بررسی میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شیراز، مطالعه موردی محله مهدی‌آباد (کتس‌بس) با استفاده روش‌های آماری و نگرشی کمی-کیفی به ارزیابی طرح پرداخته است. پس از استخراج جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه در بین ساکنین محله مهدی‌آباد پر شده و داده‌های بدست آمده در نرم‌افزار تحلیل آماری Spss مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد، در فرضیه اول تحقیق که با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای (One Sample T-Test) مورد سنجش قرار گرفت، میانگین میزان موفقیت خانه محله مهدی‌آباد در سطح معناداری $\text{sig} = 0/000$ برابر با ۲۴,۳ بوده که با میانگین مورد انتظار (۲۷) دارای اختلاف ۲,۷- است، بنابراین فرض خلاف تحقیق، یعنی عدم موفقیت خانه محله مهدی‌آباد در اهداف توانمندسازی، تأیید می‌شود. در فرضیه دوم تحقیق نیز میانگین میزان موفقیت کلی طرح در دستیابی به اهداف توانمندسازی در محله مهدی‌آباد، در سطح معناداری $\text{sig} = 0/000$ برابر با ۵۴,۴۳ بوده و با میانگین مورد انتظار ۹۶ دارای اختلاف میانگین ۴۱,۵۷- است، بنابراین فرضیه تحقیق یعنی عدم موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی محله مهدی‌آباد در ارتقای شاخص‌های توانمندسازی محله، تأیید می‌شود. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که طرح توانمندسازی محله در مسیر دستیابی به اهداف خود تا حال حاضر موفق نبوده، و مهمترین علل آن وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح است که ناقض مهمترین اصول توانمندسازی یعنی مشارکت‌محوری و نهادسازی و آگاه‌سازی است.

واژه‌های کلیدی: اسکان غیررسمی، رویکرد توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز، محله مهدی‌آباد (کتس‌بس)

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

با تمرکز فقر در شهرها در طول چند قرن اخیر و به موازات صنعتی شدن جهان، مشکل نابرابری خدمات‌رسانی و مسکن پر ازدحام به مثابه جنبه‌ای نامطلوب از زندگی شهری نمایان گشت؛ در واقع چنین روندی با عینیت یافتن جنبه‌های کالبدی فقر در قالب محله‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی به مشخصه اکثر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه بدل شده است. در واقع اسکان غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از افراد کم‌درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون: سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و محلات آلونکی نامیده می‌شود. این پدیده محصول سربرآوردن و بالیدن نظام سرمایه‌داری است. مسأله- ایی که به غلط و گاه به اصرار حاشیه‌نشینی نیز خوانده می‌شود (پیران، ۱۳۸۲: ۷).

بنابراین محیط زندگی این سکونتگاه‌ها پذیرای نابهنجاری‌ها و برانگیزاننده آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شوند! (صرافی، ۱۳۸۲: ۳).

از همان ابتدای ظهور پدیده اسکان غیررسمی به فراخور زمان و بنا به شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل مسأله در دستور کار قرار گرفت، به طوریکه

پس از شکست نگرش لیبرالیستی و کارکردگرایانه در اواخر دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمندسازی مطرح گردید که این رویکرد افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها را نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی نگریده و ارتقای وضعیت اجتماعی اقتصادی آنها را با نقش تسهیل‌گر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید (جوان، ۱۳۸۲: ۳۲).

در ایران نیز با توجه مسایلی که در زمینه اسکان غیررسمی برای کلانشهرها و حتی شهرهای میانی بوجود آمده است رویکردهایی در قبال حل مسأله مورد توجه قرار گرفته است و حتی در مواردی سیاست تخلیه و تخریب در برخی کلانشهرهای ایران نیز به چشم می‌خورد اما به موازات توسعه رویکردهای حل این مسأله، تجارب جهانی و همچنین مداخله بانک جهانی در رابطه با اسکان غیر رسمی در ایران رویکردهایی به مراتب مناسبتر برای حل مسأله تعریف شده است.

یکی از این رویکردهایی که در کشور ما مورد توجه بوده است رویکرد توانمندسازی است. مهمترین مؤلفه‌های آن عبارتند از:

۱. دارایی مبنا بودن در برابر نیاز- مبنایی
۲. فرآیندگرایی در برابر فرآورده‌گرایی
۳. اجتماع محور در برابر پروژه محور
۴. انکشاف منابع درونی در برابر تزریق منابع بیرونی

۵. تسهیل‌گری دوسویه در برابر تأمین کنندگی یکسویه (صرافی، ۱۳۸۷: ۳۵)

بنابراین می‌توان گفت توانمندسازی اجتماع محلی عبارتست از: مجموعه اقداماتی جهت مشارکت افراد و گروه‌های فقیر در جریان سیاست و تصمیم‌گیری در جامعه شهری ارگانیک است؛ مشارکتی که براساس گفتگوی دو جانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد و باعث ورود آن به حوزه عمومی (public sphere) می‌شود. این رویکرد در برنامه‌ریزی برای کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مجموعه اقداماتی را در بر می‌گیرد که منجر به شکوفائی قابلیت‌ها و خلاقیت‌های فردی برای ارتقاء وضعیت موجود به وضعیت بهتر شود (همان: ۳۸).

در ایران پدیده اسکان غیررسمی با توسعه شهر نشینی شتابان بوجود آمد و رشد آن عمدتاً به دهه‌های بعد از ۱۳۲۰ برمی‌گردد. هر چند متأسفانه آمار دقیقی از جمعیت اسکان غیررسمی در ایران وجود ندارد و این برآورد براساس برآورد ۸ میلیون نفری کارشناسی مبتنی بر مطالعات پراکنده به ویژه گزارشات تهیه شده در مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۷۴ تحت عنوان «اسکان غیررسمی در ایران و آثار و پیامدهای آن بر شهرها می‌باشد» (طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز، مهندسین مشاور پارس آرایه ۱۳۸۸: ۹).

شهر شیراز نیز به عنوان یک کلانشهر دیر زمانی است که با این پدیده دست به گریبان است. براساس گزارش دبیرخانه ستاد ملی ساماندهی و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، ۴/۴۲ درصد از مساحت

کلانشهر شیراز را سکونتگاه‌های غیررسمی به خود اختصاص داده و جمعیتی بالغ بر ۱۸۰،۰۰۰ نفر در آن ساکن هستند که بطور کامل در محدوده شهری قرار دارند. بنابراین پس از مطالعه و بررسی در محلات فقیرنشین شهر شیراز مشاور طرح (مهندسین مشاور پارس آرایه) در سال ۱۳۸۸، ۴۰ پهنه توانمندسازی در شهر شیراز شناسایی کرده که از این ۴۰ پهنه ۱۰ محله اولویت‌دار تا مرحله پنجم مطالعاتشان انجام شده است و جهت شروع عملیات اجرایی (Action plan) به منظور ارتقاء سطح زندگی ساکنین این محلات سه محله هدف (سعدی، مهدی‌آباد (کتس‌بس) و سهل‌آباد) انتخاب شدند که از تاریخ شروع این اقدامات اجرایی بیش از ۴ سال می‌گذرد. محله مورد مطالعه این پژوهش نیز محله مهدی‌آباد (کتس‌بس) است که جزء سه محله هدف اولیه طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز است که ۴ سال از شروع اقدامات ساماندهی و توانمندسازی آن می‌گذرد.

حال با توجه به عنوان طرح، که توانمندسازی است و تبیینی که از رویکرد توانمندسازی ارائه شد، و همچنین بازدید، مشاهدات میدانی اولیه محقق از محله مورد مطالعه و مصاحبه با ساکنین، این سؤال مطرح شد که پس از گذشت بیش از ۴ سال از اجرای طرح توانمندسازی محله مهدی‌آباد تا چه میزان این طرح در رسیدن به اهداف توانمندسازی موفق بوده است؟ و علل تحقق یا عدم تحقق اهداف این طرح چه عواملی بوده است؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت

باتوجه به قرار داشتن محله مهدی‌آباد (کتس‌بس) در محدوده شهر شیراز و شناخته شدن آن بعنوان

- شناسایی موانع تحقق طرح توانمندسازی و ارایه راهکارهای اجرایی در جهت بهبود شریط آن.

۱-۴- سؤال‌ها و فرضیه‌ها

- با توجه به گذشت ۴ سال از شروع عملیات اجرایی طرح ساماندهی و توانمندسازی محله غیررسمی مهدی‌آباد، اقدامات این طرح تا چه میزان در تحقق اهدافش موفقیت‌آمیز بوده است؟

- خانه محله مهدی‌آباد بعنوان یکی از ارکان اجرای طرح با چه اهدافی احداث و تا چه میزان در ارتقا و توانمندسازی ساکنین موثر واقع شده است؟
با توجه با سؤالات مطرح شده فرضیات زیر نیز مطرح گردید:

- به نظر می‌رسد خانه محله مهدی‌آباد در ارتقاء و توانمندسازی ساکنین محله موفق بوده است.

- به نظر می‌رسد طرح ساماندهی و توانمندسازی محله غیررسمی مهدی‌آباد تحقق اهداف و ارتقای شاخص‌های توانمندسازی ناموفق بوده است.

۱-۵- روش پژوهش

این تحقیق با نگرشی کمی- کیفی انجام شده و عمدتاً توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر بهره‌گیری از روشهای آماری، روش اسنادی- کتابخانه‌ای و پیمایش است. در مطالعات اسنادی از منابع داخلی و خارجی موجود در رابطه اسکان غیررسمی و راهبرد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و گزارشها و طرحهای موجود درباره محله مهدی‌آباد استفاده گردیده است. همچنین در مطالعات پیمایشی و میدانی نیز از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده وضعیت کالبدی- اجتماعی و اقتصادی محله مهدی‌آباد (کنس بس) استفاده شده است. پس از استخراج جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ پرسشنامه در بین

محدوده اسکان غیر رسمی این محله دچار معضلات و مشکلاتی مختص به خود است که در مرحله اول تبعات منفی را برای ساکنان این محله ایجاد و در مرحله بعد شهر شیراز را با مسایل عدیده روبرو ساخته است لذا در راستای رفع و حل این معضلات ستاد توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی با کمک نهادهای مسؤل از جمله سازمان مسکن سازان عمران فارس سعی در ارایه طرح توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاههای این محله داشته است که پس از گذشت بیش از ۴سال از اجرای این طرح، آنچه که لازم و ضروری می نماید سنجش میزان موفقیت طرح تا حال حاضر است که به افزایش کارایی طرح و نیل به اهداف توانمندسازی در ادامه کمک خواهد کرد.

در نتیجه این تحقیق فرصتی است برای پاسخ به سؤالات و نواقص موجود در فازهای مختلف طرح و ارائه راهکارها و پیشنهادها در جهت تحقق هر چه کارآمدتر طرحها، با توجه به اینکه توانمند شدن ساکنان محله در گرو ارتقای معیارهای کمی و کیفی زندگی در محله است.

۱-۳- اهداف

- ارزیابی میزان تحقق طرح توانمندسازی محله مهدی‌آباد پس از گذشت بیش از ۴ سال از اجرای طرح به منظور شناخت وضعیت پروژه‌ها و اقدامات انجام شده.

- شناسایی عوامل و موانع کند کننده، تسهیل و تسریع کننده تحقق طرح توانمندسازی محله جهت ارتقای شاخص‌های توانمندسازی به طور عام و در محله مهدی‌آباد بطور خاص

است که به تقویت و یا ایجاد تشکل‌های اجتماعی محلی (NGO) با دانایی و قدرت کنترل برنامه‌های اجرایی در سطح محله، اشاره دارد. در اینجا متغیر نهادسازی و ظرفیت‌سازی محلی در قالب یک متغیر رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است.

"میزان موفقیت خانه محله مهدی‌آباد": از آنجایی که خانه محله بعنوان نهاد مجری طرح در سطح محلی و به نوعی نماینده و کارگزار عمران و بهسازی شهری و شهرداری در محله است و فعالیت‌های ارگان‌های بالادستی از طریق این نهاد در سطوح، عمران، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، نهادسازی و ظرفیت‌سازی در محله اجرا می‌شود و به نوعی حد واسط ساکنین محله و حوزه‌های تصمیم‌گیر بالادستی است. در این تحقیق میزان موفقیت آن بعنوان متغیری در مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

۷-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

محله مهدی‌آباد (کتس‌بس) که در منطقه نه شهرداری شیراز قرار دارد، جزء اولین محلاتی است که اقدامات توانمندسازی در آن انجام گرفته و در حال انجام است (محله کتس بس تا سال ۱۳۸۶ در محدوده شهرداری منطقه ۵ قرار گرفته بود) این محله که در جنوب غربی شهر شیراز واقع گردیده است، دارای مساحتی ۱۲۸۰۰۰ متر مربع (۱۲۸ هکتار) است و همانطوری که در نقشه آمده است این محله از شمال به شهرک مدرس، از جنوب به زمین‌های کشاورزی کتس‌بس، از شرق به بزرگراه کمربندی شهر شیراز و از غرب به شهرک حجت‌آباد محدود شده است. جمعیت این محله ۱۹۳۰۹ نفر است، تعداد خانوار ۴۳۸۸ و بُعد خانوار در این محله برابر ۴/۴ می باشد. طبق آمارهای موجود بیشترین قومیت‌های ساکن افراد بومی مهدی‌آبادی (روستای اضافه شده به شهر)، عشایر

ساکنین محله مهدی‌آباد و ۱۵ پرسشنامه در بین کارکنان سازمان‌های ذی ربط شهری (شهرداری منطقه ۹ شیراز، سازمان عمران و بهسازی شهری شیراز) پر شده و داده‌های بدست آمده در نرم‌افزار تحلیل آماری Spss مورد آزمون قرار گرفتند که جهت آزمون داده‌ها نیز از آزمون آماری تی تک نمونه‌ای (One Sample T-Test) استفاده شده است.

۶-۱- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

اصلی‌ترین شاخصی که در این تحقیق مد نظر قرار گرفته است و تمامی متغیر مرتبط با موضوع یعنی مشارکت، آگاه‌سازی و نهادسازی و ظرفیت‌سازی محلی را در خود مستتر دارد، شاخص توانمندسازی است، که اطلاعات آنها در قالب پرسشنامه استخراج شده است.

"مشارکت": یعنی مردم مستقیماً در فرآیند تهیه طرح حضور دارند و مشارکت می‌تواند علاوه بر تاثیر- گذاری بر فرآیند تهیه طرح، آن را کنترل کند. متغیرهای میزان مشارکت و تمایل به مشارکت به صورت متغیر رتبه‌ای است.

"آگاه‌سازی": آگاه‌سازی شامل کلیه اطلاعاتی است که باعث بالا رفتن سطح آگاهی اجتماع محلی در رابطه با بهبود ابعاد مختلف زندگی می‌شود و از آنجایی که طرح ساماندهی و توانمندسازی محله با این هدف (بهبود ابعاد مختلف کیفیت زندگی در محله) تهیه می‌شود لذا بعنوان گام اول آگاه‌سازی ساکنین نسبت طرح، اقدامات و پروژه‌های مورد نظر آن، در اینجا بیشتر مد نظر بوده است. بنابراین متغیر آگاه‌سازی بصورت متغیری با مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

"نهادسازی و ظرفیت‌سازی محلی": از دیگر شاخص‌های اصلی و تأثیرگذار رویکرد توانمندسازی

ترک زبان و قومیت لر که اغلب به این محل مهاجرت کرده‌اند و همچنین افغانه هستند.

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

سیر تغییر رویکردهای حاکم در زمینه اسکان غیررسمی

از همان ابتدای ظهور پدیده اسکان غیررسمی به فراخور زمان و بنا به شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز نگرش‌های حاکم، رویکردهای مختلفی برای حل مسأله در دستور کار قرار گرفت. این رویکردها هرگز یکنواخت و از رویه منسجم پیروی نکرده بلکه در نقاط مختلف جهان از گوناگونی نیز برخوردار است.

با این پیش‌فرض که علت تشکیل سکونتگاه‌های غیررسمی، فقر و عوامل ساختاری است، بسیاری از سیاست‌گذاران در سطوح کلان به دنبال راه‌حل‌های کلان برای این پدیده بوده‌اند. تمرکز بر سیاست‌های اقتصادی کلان از جمله سیاست‌های فقرزدایی و سیاست‌هایی که در پی افزایش متوسط درآمد و نیز

ایجاد عدالت اجتماعی هستند، همواره به مثابه راه‌حل ریشه‌ای فقر و محله‌های فقیرنشین مورد توجه بوده است؛ در این میان بسیاری از صاحب‌نظران بر اهمیت سیاست اجتماعی در سطوح ملی تأکید می‌کنند که تمرکز بر مداخلات اجتماعی در برابر مداخله اقتصادی، به مثابه مکمل عوامل توسعه است؛ سیاست اجتماعی راهی را که برای اقدام دولت در رفاه شهروندان مؤثر است را نشان می‌دهد. سیاست اجتماعی اگرچه از جنبه‌هایی مشابه سیاست اقتصادی است، اما سیاست اقتصادی افراد را به مثابه فقرای تصمیم‌ساز در بازار کار و تولید مورد توجه قرار می‌دهد، در حالی که سیاست اجتماعی آنها را به عنوان عضوی از گروه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد (Perlman, 2004: 121).

در جدول (۱) سعی شده است رویکردهای مسلط در برنامه ریزی و حل مسأله سکونتگاه‌های غیررسمی بطور خلاصه بیان گردد.

جدول ۱: خلاصه رویکردهای مسلط در برنامه ریزی و حل مسأله سکونتگاه‌های غیررسمی

نکات اصلی	دوره رواج و تسلط	رویکرد
- با توسعه اقتصادی در کل جامعه مشکل حل خواهد شد - مشکل ساختاری است و با برنامه ریزی محلی حل نخواهد شد	تا دهه ۱۹۶۰	نادیده گرفتن
- سکونتگاه‌های غیررسمی غده چرکین بر بدن شهر هستند و باید برچیده شوند	۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ برخی کشورها تا کنون	حذف و تخلیه اجباری
- بهره‌گیری از نیروی کار، مهارت و توان مدیریت ساکنان در حل مشکل	۱۹۷۰ و ۱۹۸۰	خودیاری
- دولت و منابع دولتی کلید حل مشکل است - نیاز به یارانه‌های هدف دار مسکن	۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	مسکن عمومی (اجتماعی)
تامین زمین و زیرساخت‌های اولیه راه حل است	۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰	مکان- خدمات
- تامین حق سکونت و زیرساخت‌ها با بهره‌گیری از وضع موجود	۱۹۸۰ تا کنون	ارتقاء بخشی (بهبودی)
- ایجاد چارچوب سیاسی، اداری و محیطی - استفاده از ظرفیت‌های درونی اجتماعات محل - توسعه اقتصادی و اجتماعی	۱۹۹۰ تا کنون	توانمندسازی
با ترکیبی از توانمندسازی و تأکید بر حکمروایی شایسته (به ویژه حق نگاهداشت مسکن) محور، اجتماع محلی دانسته شد.	از ۲۰۰۰	اجتماع- محوری (تام)

- تبیین مفهوم و رویکرد توانمندسازی

همانطور که پیشتر نیز گفته شد، توانمندسازی اجتماع محلی و در ارتباط با آن توسعه محلی رویکردی غیرمتمرکز و مشارکتی است و به نوعی مکمل ارتقابخشی است که در رابطه با تأمین حق مالکیت و توسعه اقتصادی در محله‌های فقیرنشین، علاوه بر مشارکت در ساخت-وساز و بهبود محله، ضرورت درگیر شدن ساکنان محله در تصمیم‌سازی و فرآیند برنامه‌ریزی برای تشخیص اولویت‌های اقدام، و حمایت در اجرا را ضروری می‌داند (UNESCAP, 2001:131).

نظریه مقتدرسازی را که گاهاً توانمندسازی نیز ترجمه شده است ابتدا "راپاپورت" (Rapaport ۱۹۹۷) در زمینه روانشناسی اجتماعی مطرح کرد وی "مقتدرسازی را به معنی هدف قرار دادن تقویت امکانات افراد برای کنترل بر زندگی خویش برشمرده است". بنابراین اگر قدرت عبارتست از توانایی افراد در پیش بینی کنترل و مشارکت در محیط آنگاه می‌توان گفت که مقتدر سازی فرآیندی است که طی آن افراد اجتماعات می‌توانند چنین قدرتی را به کار گیرند و به طور مؤثر در تغییر زندگی خود و محیطشان اعمال کنند. در اینجا مشارکت نوعی واسطه است که در حرکت به سوی اقتدار به کار می‌رود. ارتباط دو سویه و مستقیمی بین مقتدر سازی و توانمند سازی برقرار است که یکی را بدون دیگری بی‌معنی می‌سازد، چرا که سهیم کردن شهروندان در قدرت و تصمیم‌گیری (Empowerment) بدون توانمندسازی (Enabling) یعنی افزایش توانایی شهروندان به نحوی که نیازش به خدمات کمتر شود و خود و سرمایه‌های اجتماعی - فردی متکی شود، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید (Abbott, 2002:306).

راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود شرایط زندگی جوامع فقیر تاکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به

اولویت‌ها و نیازهایشان بهبود ببخشند، در واقع ارتقاء بخشی همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی رهیافت نوینی برای حل مسأله فقر شهری است که در آن دیگر مهندسی ساختمان و تنها تزریق منابع مالی راهگشا نیست بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی، سازمان‌های غیر دولتی محلی و مشارکت فعال موردنظر است (هادیزاده بزاز، ۳۷: ۱۳۸۲) سیاست‌های توانمندسازی مبتنی بر اصول تفویض اختیار تصمیم‌گیری و بر این اساس است که تصمیم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در منابع توسعه اقتصادی، اجتماعی و مادی داخلی باید در پایین‌ترین سطح کارایی باشند و برای اغلب فعالیت‌های ارتقاء بخشی پایین‌ترین سطح کارایی و اثر بخشی سطح اجتماعی محلی و محله است. (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

همچنین در رابطه با مفهوم توانمندسازی بسیاری از متون اخیر به ویژه متون مرتبط با بانک جهانی بر مفهوم مقتدرسازی آئیز اشاره دارند که به معنی عام به گسترش آزادی در عرصه انتخاب و عمل اشاره دارد. برای فقرا، این آزادی شدیداً از طریق فقدان قدرت و ضعف آنها (از جنبه سیاسی - مدنی) به ویژه در برقراری ارتباط با دولت و بازار محدود شده است. مقتدرسازی به مفهوم افزایش امکانات و دارایی‌های فقرا، جهت مشارکت در مذاکره، اعمال نظر، کنترل و حفظ پیوند با نهادهای مسئولی است که در زندگی آنها تأثیرگذار می‌باشند. از سوی بانک جهانی عناصر کلیدی در مقتدرسازی، دسترسی به اطلاعات^۳ مشارکت و درگیری^۴ پاسخگویی^۵ ظرفیت سازمان محلی^۶ تعریف شده است. از این دیدگاه با توجه به اینکه فقر چند بعدی است، فقرا نیازمند سطحی

۲. Empowerment

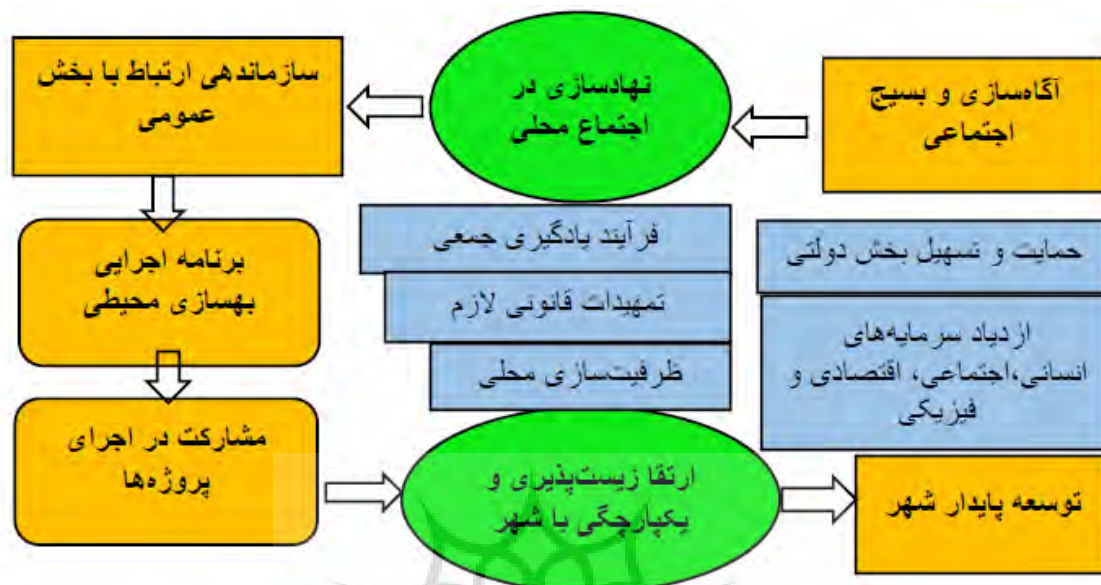
۳. Access To Information

۴. Inclusion and Participation

۵. Accountability

۶. Local Organization Capacity

از دارایی‌ها و امکانات در سطح فردی (بهداشت، آموزش، مسکن) و در سطح عمومی (توانایی سازماندهی) برای به راه انداختن "کارجمعی" جهت حل مشکلات خود می‌باشند (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴: ۲۳۱).



شکل ۱: راهبرد توانمندسازی و راهکار بهسازی منبع: صرافی: ۱۳۸۹

زمینها انجام نداده بود- کافی نبودن اعتبارات و از سوی دیگر برنامه هیچ تلاشی را در جهت بازگرداندن اعتبارات هزینه شده و سودآور بودن پروژه‌ها نکرده بود (8: Sinha, 1995).

"Kyu Ha" (2007) در ارزیابی تهیه مسکن برای فقیران شهری کره جنوبی که مجری آن دولت کره جنوبی بود ارزیابی این طرح را ناموفق بیان کرده و درباره علل آن بیان کرده است که از نکات منفی پس از اجرای این طرح‌ها، این بود که تنها ۲۰ درصد از ساکنان قبلی در محدوده حضور داشتند و ۸۰ درصد مابقی بخاطر بالا رفتن هزینه اجاره و یا سود ناشی از فروش خانه‌هایشان به محلات فقیر نشین دیگر نقل مکان کرده بودند (Kyu Ha, 2007: 116-129).

"عبدی" (۱۳۸۷) به نقل از "سینها" در رابطه با طرح ارزیابی طرح سرمایه گذاری در بخش مسکن فقیران

در جمع‌بندی موارد فوق باید گفت در توانمندسازی، مشارکت افراد و گروه‌های فقیر در جریان سیاست و تصمیم‌گیری در جامعه شهری ارگانیک است؛ مشارکتی که بر اساس گفتگوی دو جانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد و باعث ورود آن به حوزه عمومی (public sphere) می‌شود.

۲-۳- پیشینه پژوهش

"سینها" (۱۹۹۵) در ارزیابی اقدامات بهسازی محلات فقیرنشین جاکارتا که در سال ۱۹۶۹ توسط دولت محلی جاکارتا انجام شده است میزان تحقق اهداف طرح را کم ارزیابی نموده است و دلایل این عدم تحقق را اینگونه آورده است: جنبه کالبدی بودن و عدم توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی - عدم توجه جامع به مسائل مورد توجه در طرح از جمله تراکم خانوار- برنامه تلاشی را در جهت حل مشکل

بانک جهانی انجام شده است را متوسط بیان کرده و مهمترین موانع و مشکلات طرح توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس از نظر محقق، به کم‌تجربگی دست‌اندرکاران طرح‌ها و محدودیت در استفاده از مشاوران بین‌المللی، ناتوانی در بکارگیری نیروی متخصص در زمینه مورد نظر که بخشی از این مشکل به دستمزد بالای این افراد و عدم تناسب آن با دستمزد معمول در نظام اداری ایران باز می‌گردد. و همچنین فقدان پایش و ارزیابی لطماتی را به طرح وارد کرده است (علاءالدینی، ۱۳۹۰: ۹۲-۶۹).

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- اهداف، استراتژی‌ها و اقدامات طرح توانمندسازی محله مهدی‌آباد (کتس‌بس)
 طرح‌های توانمندسازی با هدف ارتقاء محلات در حوزه‌های کالبدی، زیرساختی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، مسکن و زیست محیطی و همچنین ظرفیت‌سازی‌های نهادی مورد نیاز، اعم از ظرفیت‌سازی‌های بخش دولتی و مردمی تهیه می‌گردد. بنابراین پروژه‌های پیشنهادی می‌بایست بر اساس نیازها، مشکلات ساکنین محله و در چارچوب‌های مشخص تعیین شده برای دستیابی به اهداف توانمندسازی ارائه گردند.

شهری پورتوریا، سورباریا و کوچابامبا که در سال ۲۰۰۴ توسط دولت محلی انجام شده است وضعیت طرح و اقدامات را موفق ارزیابی نموده و مهمترین دلیل تحقق طرح را مشارکت موثر مردم در فرآیند تهیه و اجرای آنها بیان کرده است (عبدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

ایراندوست (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان "مرور تجربه کوتاه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه شهر کرمانشاه" به بررسی رویکرد توانمندسازی براساس تجربه موجود در این شهر پرداخته است. و میزان موفقیت این طرح را کم ارزیابی کرده است که مهمترین دلایل این عدم تحقق در سطح مناسب را اینگونه آورده است: نارسایی طرح در تعریف محلات هدف، دخالت کالبدی صرف، ضعف تأثیرگذاری در مقیاس شهر (با توجه به محدود شدن پروژه‌ها به موارد کالبدی و با عملکرد گسسته و محدود، کل طرح تأثیرگذاری قابل توجهی در مقیاس شهر و حتی محله ندارد)، طولانی شدن روند اجرایی و در نتیجه از دست رفتن اعتماد مردم نسبت به طرح و مجریان آن، ارتباط ضعیف با مردم (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۷۸-۵۹).

"علاءالدینی و همکاران" (۱۳۹۰)، ارزیابی میزان تحقق طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بندرعباس که توسط دولت و با همکاری

جدول ۲: مسایل و مشکلات محله مهدی‌آباد (کتس‌بس)

اقتصادی	مشکلات کالبدی	اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> - بیکاری و مشاغل کاذب درآمد پائین اغلب اهالی محلات - وجود مشاغل فصلی در بین ساکنین و مشکلات اقتصادی - بالا بودن نرخ تکفل در محله 	<ul style="list-style-type: none"> - کمبود فضاهای آموزشی - کمبود فضاهای بهداشتی - درمانی در سطح محله - کمبود پارک و فضای سبز در سطح محله - کمبود فضای ورزشی در سطح محله 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود اراذل و اوباش - بالا بودن موارد فساد و فحشا - بالا بودن درصد افغانیهای محله - بالا بودن آمار قاچاق در سطح محله

تاسیسات زیر بنایی	زیست محیطی
<ul style="list-style-type: none"> - نامناسب بودن آسفالت معابر نبود روشنایی مناسب در معابر محله - نبود سیستم مناسب دفع آبهای سطحی در قسمتهای شرقی و غربی محله - نبود سیستم آبرسانی در قسمتهای شرقی محله - نبود گاز کشی در قسمتهای غربی محله - برق دزدی در قسمتهای شرقی و جنوبی محله 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود کارگاههای مختلف در و پنجره سازی، تعمیر تانکر، اتاق‌سازی خودرو و سایر کارگاههای مختلف با سر و صداهای گوشخراش در کنار منازل مسکونی، نمادی از یک بی‌نظمی و زندگی غیر شهری را به تصویر می‌کشد. - اکثر اهالی فاضلاب خود را به کوچه رها می‌سازند. - وجود دامداری‌های متعدد در محله

منبع: مهندسين مشاور پارس آرایه، ۱۳۸۸

بنابراین پروژه‌ها با توجه به مشکلات و معضلات محله و همچنین ساختار پیشنهادی، با عنایت به اهداف زیر برای محله اهداف تعیین و معرفی می‌گردند.

- تامین حداقل موارد نیاز محله در راستای اهداف توانمندسازی

- برقراری سلسله مراتب صحیح کاربریها و خدمات رسانی در سطح محله

- برقراری سلسله مراتب صحیح شبکه‌ای برای ایجاد دسترسی‌های مناسب

- ارتقاء اقتصادی، اجتماعی و.. محله

بنا بر نیاز سنجی‌های انجام شده، طرحها و پروژه‌های پیشنهادی با رویکرد تأمین اهداف طرح توانمندسازی در محلات غیر رسمی شهر شیراز، در ۷ بخش کالبدی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، زیرساختی، زیست محیطی، ظرفیت سازی و مسکن آرایه شده است.

جدول ۳: مشخصات پروژه‌های بخش‌های هفتگانه طرح توانمندسازی محله و میزان اجرای آنها در چهار سال اول طرح (۱۳۸۸) در محله مهدی‌آباد (کتس‌بس)

پروژه‌ها	تعداد کل	جمع کل اعتبارات (میلیون ریال)	تعداد سطح A	درصد پروژه‌های سطح A از کل	تعداد اجرا شده	درصد اجرا شده	کل اعتبارات (مید یون ریال)	درصد نسبت به کل اعتبارات بخش
کالبدی	۲۰	۱۰۶۴۴۴۵	۸	۴۰	۳	۳۷,۵	۴۱۱۰۰۰	۳۹
اقتصادی	۱۴	۳۵۰۵۰	۶	۴۳	۰	۰	۰	۰
اجتماعی فرهنگی	۱۸	۶۷۵۰	۸	۴۴	۳	۳۷,۵	۱۸۵۰	۲۷
زیرساختی	۱۲	۲۵۸۴۷۹	۵	۴۲	۳	۶۰	۷۲۹۰۷	۲۸
ظرفیت سازی	۶	۱۸۰۰	۶	۱۰۰	۴	۶۶,۷	۱۳۰۰	۷۲
زیست محیطی	۴	۳۰۰۰	۳	۷۵	۱	۲۵	۲۰۰	۷
ارتقا مسکن	۷	۲۶۰۳۰۰	۳	۴۳	۰	۰	۰	۰
جمع کل	۸۱	۱۶۲۹۸۲۴	۳۹	۴۸	۱۴	۳۶	۴۸۷۲۵۷	۳۰

منبع: مهندسين مشاور پارس آرایه، ۱۳۸۸

بر اساس آنچه که در طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز برای محله مهدی‌آباد) کتس‌بس) ۸۱ پروژه در طول یک دوره ۱۰ ساله تعریف شده است که طبق آن باید در سطح محله ۲۰

بهسازی شهری ایران بر عهده دارد، نتایج نشان می‌دهد، پروژه‌هایی که در اولویت انجام برای ۴ سال اول قرار داشته‌اند در بخش کالبدی ۳ پروژه، بخش اقتصادی هیچکدام، بخش اجتماعی-فرهنگی ۳ پروژه، بخش زیرساختی ۳ پروژه، بخش ظرفیت‌سازی و نهادسازی ۴ پروژه، بخش زیست محیطی ۱ پروژه و در نهایت در بخش ارتقاء مسکن هیچکدام، از پروژه‌ها اجرا شده‌اند.

بنابراین از کل پروژه‌های سطح A که جمعاً ۳۹ پروژه را شامل می‌شوند تقریباً ۱۴ پروژه یعنی ۳۵ درصد آنها اجرا شده است. البته برخی از آنها که قبلاً نیز اشاره شد بطور کامل اجرا نشده‌اند (سالن ورزشی محله). همچنین بیشتر این پروژه‌ها آنهایی هستند که کمترین اعتبارات را نیاز دارند که این نکته شاید ناشی از کمبود اعتبارات نهادهای اجرایی برای ورود به پروژه‌های سرمایه‌بر بهسازی محله باشد که هم می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد هم جنبه منفی، مثبت از این جهت که طبق مصاحبه‌های انجام شده با کارشناسان فعالیت‌ها را به سمت امور ظرفیت‌سازی، نهادسازی و ارتقای فرهنگی اجتماعی محله سوق می‌دهد و منفی از این جهت که عدم انجام همزمان پروژه‌ها در بخش‌های مختلف حرکت توانمندسازی را ناقص جلوه داده و باعث بی‌اعتمادی، عدم مشارکت ساکنین و حتی عدم خوشبینی به آینده طرح در بین مسئولین شهری می‌شود. در مجموع وضع موجود و روند حاکم بر اجرای پروژ-های ساماندهی و توانمندسازی محله مهدی-آباد (کتس بس) حاکی از آن است که میزان تحقق طرح براساس آنچه که در چهار سال اول قرار بر اجرای آن بوده است، بسیار پایین بوده است. روند

پروژه کالبدی، ۱۴ پروژه اقتصادی، ۱۸ پروژه اجتماعی-فرهنگی، ۱۲ پروژه در بخش زیرساختی، ۶ پروژه ظرفیت‌سازی و نهادسازی، ۴ پروژه زیست محیطی و ۷ پروژه ارتقاء و بهسازی مسکن اجرا گردد. و همانطور که پیشتر گفته شد در این طرح سه نوع پروژه تعریف شده است. دسته اول پروژه‌های سطح A آن دسته از پروژه‌هایی هستند که می‌بایست در ۴ سال اول طرح اجرایی شوند و زمینه ساز اجرایی پروژه‌های فاز بعدی باشند، دسته دوم پروژه‌های سطح B آن دسته از پروژها هستند که اجرای آنها مربوط به چهار سال دوم طرح بوده و دسته سوم پروژه‌های سطح C که در دو سال پایانی طرح اجرا و بهره‌برداری می‌رسند. بنابراین این تحقیق به دلیل مصادف بودن با پایان فاز اول پروژه‌ها (۴ سال نخست) بیشتر با ارزیابی پروژه‌های سطح A سروکار دارد، پروژه‌هایی که در فاز اول بایستی به طور کامل اجرا می‌شد. بر این اساس باید در سطح محله ۸ پروژه کالبدی، ۶ پروژه اقتصادی، ۸ پروژه اجتماعی-فرهنگی، ۵ پروژه در بخش زیرساختی، ۶ پروژه ظرفیت‌سازی و نهادسازی، ۳ پروژه زیست محیطی و ۳ پروژه ارتقاء و بهسازی مسکن اجرا شده باشد.

بر این اساس پس از بررسی‌های انجام شده در اسناد موجود از طرح و مصاحبه با کارشناسان سازمان‌های متولی مانند شهرداری منطقه ۹ شیراز و شرکت عمران و مسکن سازان فارس که مسئولیت اجرای طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز را از سوی شرکت مادر تخصصی عمران و

۷. نوع چهارم یا بینابینی از پروژه‌ها نیز وجود دارند که بازه اجرایی آنها A,B است یعنی در طول دوره چهار سال اول و دوم باید اجرا شوند.

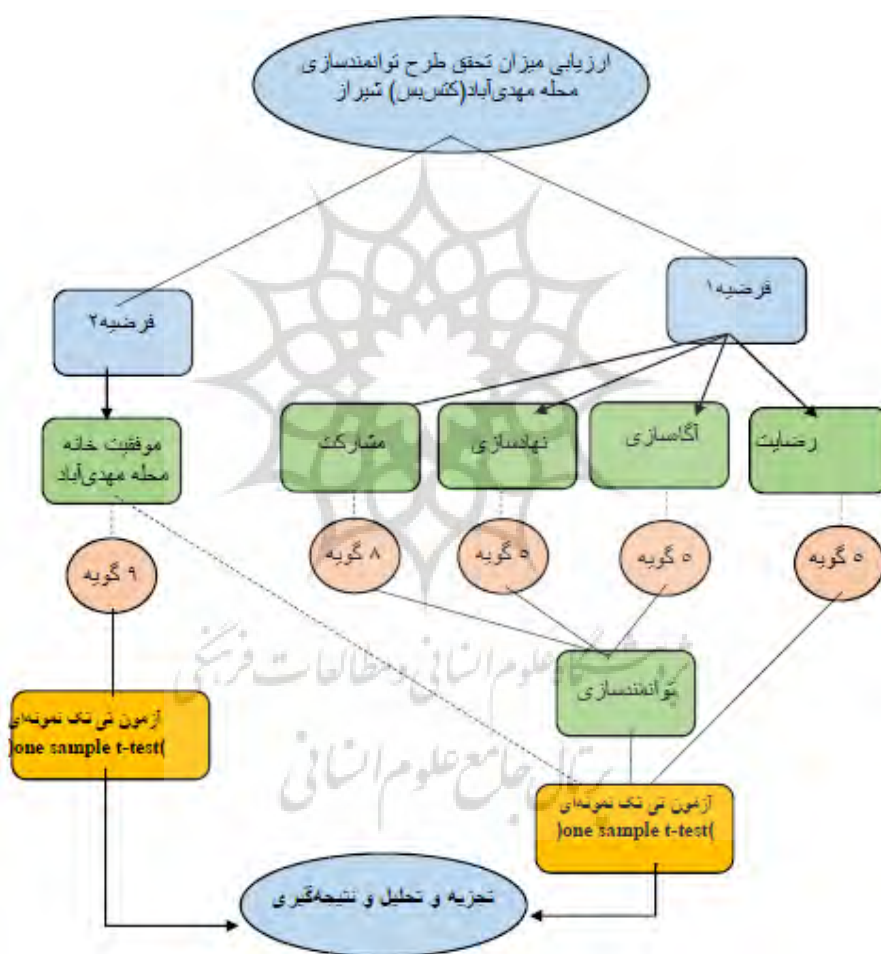
تحلیل محتوای کمی و کیفی طرح در رابطه با آزمون فرضیه‌ی یک تحقیق استفاده شده است. بر این اساس در رابطه با دو فرضیه مطرح شده در تحقیق از آمار استنباطی یعنی آزمون تی تک نمونه‌ای (One Sample T- Test) استفاده شده است.

۴-۱- مدل تحلیلی تحقیق:

فعالی اقدامات انجام گرفته در این زمینه و عدم تحولی چشمگیر در عملکرد اجرایی نشان می‌دهد که در آینده نیز طرح با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد بود.

۴- آزمون فرضیات تحقیق:

به دلیل فقدان اطلاعات ماقبل طرح در رابطه با شاخص‌های مورد بررسی در این تحقیق از روش



شکل ۲: مدلی تحلیلی تحقیق و روند شاخص‌سازی و آزمون فرضیات تحقیق منبع: نگارنده

موفقیت برای طرح در نظر گرفته شده است و توجیح آن این است که از آنجایی که بازه زمانی تکمیل طرح یعنی ۱۰ سال به اتمام نرسیده ارزیابی ما در اینجا

روش محاسبه میانگین مورد انتظار: در اینجا از آزمون T تک نمونه‌ای (One-Sample T Test) استفاده شده، و عدد میانگین مورد انتظار، براساس سطح متوسط

جدول ۴: امتیازات مربوط به گزینه‌های پاسخگویان در

طیف لیکرت

گزینه	۱	۲	۳	۴	۵
امتیاز	۱	۲	۳	۴	۵

روایی و پایایی: جهت تعیین روایی و پایایی این پرسشنامه در ابتدا ۴۵ سؤال طرح شد که روایی آن توسط تعدادی اساتید متخصص و همچنین کارشناسان مجرب در زمینه طرح‌های توانمندسازی، تأیید گردید و جهت سنجش پایایی آن نیز با بلوک-بندی محله مورد نظر متناسب با تراکم جمعیتی هر بلوک و به شکل تصادفی ساده اقدام به پر کردن تعداد صد پرسشنامه شده است که پس این پیش-آزمون، روایی و پایایی ۳۲ سؤال در سطح بسیار خوب ۹۰٪ تأیید شد و بقیه سؤالات حذف گردید. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر کدام از شاخص‌های مطرح شده در این تحقیق در جدول (۵) در زیر آمده است.

جدول ۵: روایی و پایایی شاخص‌های تحقیق در پرسشنامه براساس ضریب آلفای کرونباخ

شاخص‌های تحقیق	تعداد گویه	تعداد نمونه	آلفای کرونباخ
مشارکت محوری	۸	۳۸۴	.۸۵
آگاه‌سازی	۵	۳۸۴	.۷۵
نهادسازی	۵	۳۸۴	.۷۰
رضایت ساکنین	۵	۳۸۴	.۷۶
موفقیت خانه محله	۹	۳۸۴	.۷۰
آلفای کل	۳۲	۳۸۴	.۹۰

خانه محله مهدی‌آباد: بطور کلی اقدامات خانه‌های محله که در محلات اسکان غیررسمی شیراز احداث شده‌اند با هدف توانمندسازی ساکنین این اجتماعات

ارزیابی حین اجرا محسوب می‌شود و بکار بردن بالاترین عدد میانگین مورد انتظار در این مقطع زمانی (اواسط طرح) غیر واقع بینانه و فاقد اعتبار خواهد بود لذا در اینجا چنانچه طرح در شاخص‌های مورد نظر به سطح متوسط رسیده و یا نزدیک شده باشد با توجه به بازه زمانی طی شده، ارزیابی آن، وضعیت خوب طرح را نشان می‌دهد در غیر اینصورت یعنی فاصله داشتن از میانگین مورد انتظار وضعیت طرح، بد ارزیابی می‌شود.

روش نمره گذاری و تفسیر: پرسشنامه مورد نظر دارای ۳۲ سؤال است که با هدف ارزیابی وضعیت طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی محله مهدی‌آباد طرح شده است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه در جدول زیر ارائه گردیده است:

۴-۲- آزمون فرضیه یک

خانه محله مهدی‌آباد در ارتقاء و توانمندسازی ساکنین محله موفق بوده است.

میانگین فرضی است، محقق با توجه به مدت زمان ۴ساله احداث و اجرای فعالیت‌های خانه محله مهدی‌آباد و اهداف و استراتژی‌های آن در محله، این میانگین فرضی تحقق اهداف ارتقاء و توانمندسازی ساکنین محله توسط نهاد خانه محله در سطح متوسط در نظر گرفته است. جدول زیر بیانگر میزان موفقیت خانه محله براساس آزمون تی تک نمونه‌ای است.

جدول ۶: جدول نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق (موفق بودن خانه محله مهدی‌آباد در تحقق اهداف)

شاخص‌های آماری شاخص تحقیق	تعداد	میانگین نمونه	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین	آماره t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)	تفاوت میانگین- ها
میزان موفقیت خانه محله	۳۸۴	۲۴/۳۰	۴/۸۹	۰/۲۴	-۱۰/۸۱	۳۸۳	۰/۰۰۰	-۲/۶۹

Test Value = ۲۷

آزمون میانگین موفقیت را ۲۴ نشان داد که حاکی از عدم موفقیت طرح در سطح مورد انتظار است.

بنابراین طبق آزمون t-test تک نمونه‌ای در فرضیه دوم تحقیق:

۴-۳- آزمون فرضیه دو

$$H_0: \mu = \mu_0 \geq 27$$

$$H_1: \mu < \mu_1 < 27$$

الگو و رویکرد توانمندسازی محله مهدی‌آباد در تحقق اهداف و ارتقای شاخص‌های توانمندسازی ناموفق بوده است.

همانطور که می‌بینیم بر اساس جدول (۶) میانگین نمونه تحقیق با میانگین فرضی یا مورد انتظار تحقیق (Tv = ۲۷) داری تفاوت ۲/۶۹- واحد است. با درجه آزادی ۳۸۳ (df=۳۸۴-۱)، در سطح معناداری

جهت آزمون این فرضیه نیز همانند فرضیه قبل از آزمون t-test تک نمونه‌ای استفاده شده است که برای سنجش میزان موفقیت طرح، اطلاعات در دو سطح مردم ساکن محله و کارشناسان سازمان‌ها جمع‌آوری و میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی محله مهدی‌آباد مورد سنجش قرار گرفته است. برای سنجش میزان موفقیت طرح از شاخص‌های توانمندسازی (شامل شاخص‌های مشارکت، آگاه‌سازی، نهادسازی)، موفقیت خانه محله و رضایت ساکنین از این طرح، استفاده شده است که برای هر کدام از این شاخص‌ها نیز آزمون تی تک نمونه‌ای انجام گرفته است و در جدول زیر (۷) آمده است.

و با ضریب اطمینان ۰/۹۵ که فقط ۵ درصد احتمال دارد که اختلاف بین میانگین نمونه و جامعه ناشی از شانس باشد، فرضیه خلاف صفر تأیید می‌شود. بعبارت دیگر فرضیه صفر تحقیق مبنی بر اینکه خانه محله در ارتقاء و توانمندسازی ساکنین موفق بوده است، رد می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه ۵ سال فعالیت خانه محله مهدی‌آباد (کنسبس) می‌گذرد، تا قبل از انجام این تحقیق انتظار می‌رفت میزان موفقیت آن در حد متوسط ۲۷ باشد اما نتایج

جدول ۷: آزمون فرض دوم تحقیق (میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی محله مهدی‌آباد بر اساس نظر ساکنین)

شاخص‌های آماری شاخص‌های تحقیق	تعداد	میانگین نمونه	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین	آماره t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)	تفاوت میانگین‌ها	میانگین مورد انتظار (Tv)
توانمندسازی	۳۸۴	۲۵/۷۶	۸/۵۹	۰/۴۳	-۴۲/۷۳	۳۸۳	۰/۰۰۰	-۱۸/۲۴	۴۴
موفقیت خانه محله	۳۸۴	۲۴/۳۱	۴/۸۹	۰/۲۴	-۸۱/۱۰	۳۸۳	۰/۰۰۰	-۲/۶۹	۲۷
رضایت	۳۸۴	۸/۷۱	۲/۸۶	۰/۱۴	-۴۳/۰۷	۳۸۳	۰/۰۰۰	-۶/۲۹	۱۵
موفقیت طرح توانمندسازی	۳۸۴	۴۲/۵۶	۱۲/۲۸	۰/۶۲	-۸۵/۲۱	۳۸۳	۰/۰۰۰	-۵۳/۴۳	۹۶

Test Value = ۹۶

بنابراین طبق آزمون t-test تک نمونه‌ای در فرضیه دوم تحقیق:

$$H_0: \mu = \mu_0 \leq 96$$

$$H_1: \mu \neq \mu_1 > 96$$

همانطور که در جدول (۷) می‌بینیم در شاخص توانمندسازی میانگین نمونه تحقیق با میانگین فرضی یا مورد انتظار تحقیق (Tv = ۴۴) داری اختلاف ۱۸/۲۴- واحد است. با درجه آزادی (۳۸۳-۱) در سطح معناداری (sig= ۰/۰۰۰) و با ضریب اطمینان ۰/۹۵ طرح در رابطه با ارتقاء و دستیابی به اهداف توانمندسازی ناموفق بوده است.

در مجموع آزمون t-test تک نمونه‌ای سنجش میزان موفقیت کلی طرح در تحقق اهداف و انطباق آن با رویکرد علمی توانمندسازی، در قسمت اطلاعات جمع‌آوری شده از ساکنین محلی، نشان از تفاوت میانگین نمونه در همه شاخص‌های مورد بررسی با میانگین مورد انتظار دارد و بعبارت دیگر به حد مورد انتظار نرسیده‌اند. همانطور که در جدول (۷) آمده است میانگین نمونه تحقیق با میانگین فرضی یا مورد انتظار تحقیق (Tv=۹۶) داری تفاوت ۵۴,۴۳- واحد است. با درجه آزادی (۳۸۳-۱) در سطح معناداری (sig= ۰/۰۰۰) و با ضریب اطمینان ۰/۹۵ که

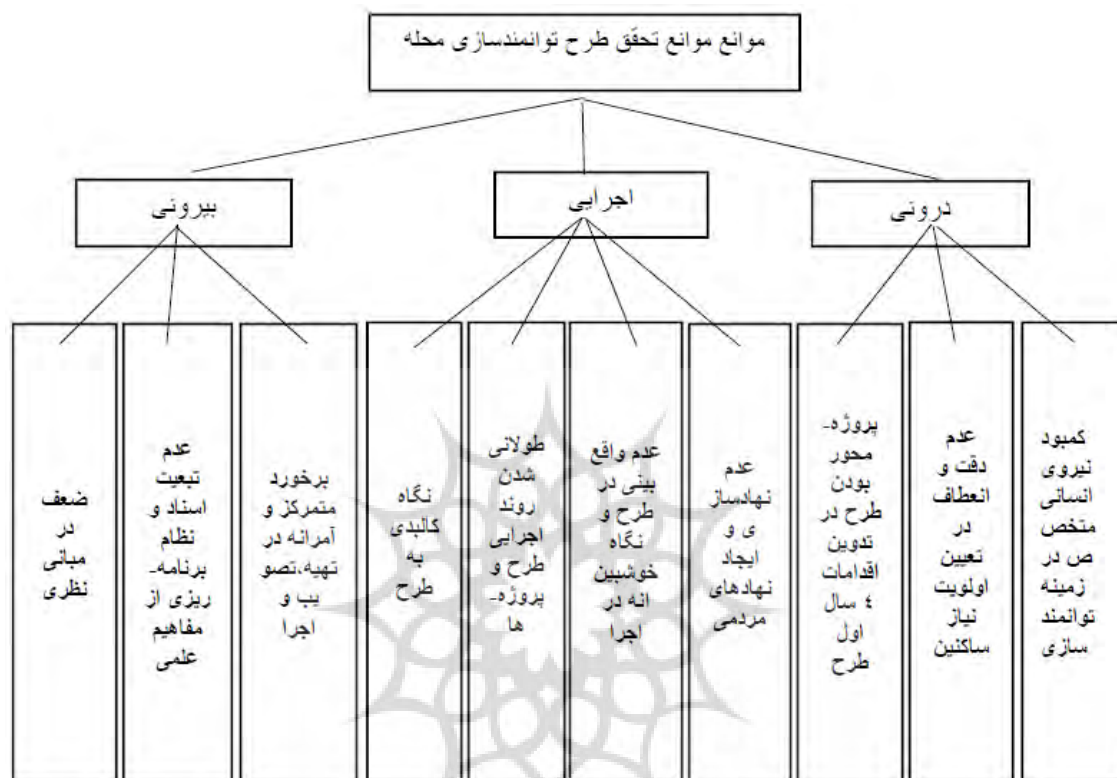
فقط ۵ درصد احتمال دارد که اختلاف بین میانگین نمونه و جامعه ناشی از شانس باشد، فرضیه صفر تأیید می‌شود. بعبارت دیگر دلیل کافی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد. در نتیجه با دلایل فوق فرض خلاف صفر مبنی بر اینکه الگو و رویکرد توانمندسازی محله مهدی‌آباد با رویکرد توانمندسازی انطباق دارد و در تحقق اهداف و ارتقای شاخص‌های توانمندسازی موفق بوده است، رد می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در رابطه با میزان موفقیت طرح همانطور که در آزمون فرضیات مشخص گردید در مجموع طرح ساماندهی و توانمندسازی محله مهدی‌آباد (کتس‌پس) نتوانسته به اهداف خود در دوره ۴ ساله اول طرح برسد و یا حتی نزدیک شود (جز در مورد موفقیت خانه محله مهدی‌آباد که تا حدی به میانگین مورد انتظار نزدیک شده است). در فرضیه اول نیز نتایج آزمون حاکی از آن است که طرح در ایفای مهمترین ارکان توانمندسازی یعنی مشارکت، آگاه‌سازی و نهادسازی و ظرفیت‌سازی محلی ناموفق بوده است. لذا این امر نشان می‌دهد طرح در آینده با مشکلات عدیده روبروست زیرا در گام‌های اولیه ناموفق ظاهر شده است و لزوم بازنگری در بسیاری از بخش‌های طرح

بیرونی و سطح سوم: مشکلات اجرایی که این موانع در شکل (۴) زیر آمده است.

بسیار ضروری می‌نماید. در نهایت می‌توان موانع و نارسایی‌های این طرح را به سه سطح تقسیم بندی نمود. سطح اول: موانع درونی، سطح دوم: موانع



شکل ۳: موانع تحقق طرح ساماندهی و توانمندسازی محله اسکان غیررسمی مهدی‌آباد (کنسپس)

۶- پیشنهادها

- ایجاد سازمان مستقل و دارای جایگاه قانونی و دارای قدرت لازم جهت رسیدگی بافت غیررسمی و شاید به نوعی بتوان گفت ایجاد شهرداری مخصوص سکونتگاه‌های غیررسمی که به طور ویژه و تخصصی به بررسی و حل مشکلات این مناطق بپردازد و طبیعتاً به مدیران و متخصصان این زمینه تجهیز شده باشد.

- فراهم ساختن شرایط قانونی و اقتصادی لازم جهت حضور مشاوران مجرب خارجی در کنار مشاوران داخلی جهت پرهیز از آزمون خطا در تهیه و اجرای طرح توانمندسازی اسکان غیررسمی و کسب تجربه مشاوران داخلی از این مشاوران خارجی.

- نگاه واقع‌بینانه در تهیه طرح و زمان‌بندی پروژه‌های توانمندسازی

- مشارکت دادن تمامی ذینفعان طرح اعم از ساکنین اجتماعات غیررسمی و سازمان‌های ذی‌ربط در روند تهیه طرح و عبارتی مشارکت دادن این ذینفعان از مرحله تهیه تا اجرای طرح.

- به کار بردن سازوکارهایی جهت جلب مشارکت ساکنین اسکان غیررسمی، سازوکارهای تشویقی، تسهیلگری، رقابت ایجاد کردن در بین محلات در راستای بهبود مشکلات محله

کوکان، نوجوانان و جوانان را نسبت به محله خود تغییر داده و همچنین در بلند مدت دید سایر شهروندان را نسبت به این محلات تعدیل و مثبت نماید.

منابع

ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹)، مرور تجربه‌های کوتاه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه شهر کرمانشاه. جغرافیا و توسعه. شماره ۲۰، ص ۵۹ - ۷۸.

ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۸)، سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی، انتشارات شرکت پردازش و

برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)

پاتر، رابرت. ب و سلی لوید ایونز (۱۳۸۴)، شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایراندوست و دیگران، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران

پیران، پروینز (۱۳۸۲)، باز هم در باب اسکان غیررسمی (مورد شیرآباد زاهدان)، در فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم پاییز و زمستان ۱۳۸۲، صص ۲۴-۷

جوان، جعفر (۱۳۸۲)، نگرشی بر نحوه ساماندهی حاشیه کلان شهرها (نمونه: کلان شهر مشهد)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره اول، صص ۷۳-۵۱

صرافی، مظفر (۱۳۸۷)، ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری، در فصلنامه هفت شهر، شماره ۲۴-۲۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷

صرافی، مظفر (۱۳۸۲)، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی، از پراکنده‌کاری گزینش

- ایجاد سازوکارهای پایش و ارزشیابی طرح در طول تهیه طرح و مقاطع مختلف چه در زمینه اجرایی و نظارت مردم، سازمان‌ها و چه در زمینه علمی و انجام مطالعات ارزیابی و پایش طرح توسط مجامع و متخصصین علمی و پرهیز از محرمانه انگاری اطلاعات طرح.

- افزایش سطح خدمات شهری در این مناطق در زمینه حمل و نقل عمومی و یا استفاده از پیمانکاران محلی از اجتماعات غیررسمی در زمینه پسماند و جمع‌آوری زبالات محله در راستای استفاده از دارایی‌های انسانی محله و تزریق اشتغال و درآمد در بین ساکنین.

- ایجاد امنیت تصرف برای ساکنین جهت جلب اعتماد آنها برای حضور و مشارکت فعال در برنامه‌های توانمندسازی، زیرا دلیل بسیاری از عدم مشارکت‌های ساکنین ناشی از تصرف غیررسمی مسکن یا زمین در بین آنهاست که ترس از دست دادن املاک مانع اعتماد و ارتباط آنها با شهرداری و سایر سازمان‌هاست شهری می‌شود. بنابراین اندیشیدن تدبیری جهت رفع این مسأله می‌تواند به بهبود روند مشارکت ساکنین و در نتیجه موفقیت طرح‌های توانمندسازی کمک شایانی کند.

- بازیابی هویت این محلات با آموزش قشر کودک و نوجوان در سطح مدارس با همکاری آموزش و پرورش جهت جلوگیری از بازتولید فرهنگ منفی اجتماعی حاکم بر اجتماعات غیررسمی با سازوکار برجسته‌سازی دارایی و میراث معنوی و انسانی محله. زیرا بسیاری از این محلات دارای قدمت بالایی بوده و سرشار از عناصر هویت‌بخش محلی هستند که نیازمند گرد رویی و احیاء بوده تا دید و چشم‌انداز

Architecture MCGill
University, Montreal, March,
UNESCAP (2001), Municipal and
Management in Asia: A comparative
study, In: United Nation Economic and
Social Commission for Asia and the
specific.

تا همسوئی فراگیر، در فصلنامه هفت شهر سال سوم،
شماره نهم و دهم، صص ۳-۶

عبدی، برهان (۱۳۸۷)، بررسی علل عدم تحقق
طرح‌های ساماندهی محلات حاشیه‌نشین و
ارائه راهکارهای اجرایی (نمونه موردی: محله
جعفرآباد کرمانشاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
دانشکده هنر معماری و شهرسازی، دانشگاه
شیراز، ۱۳۸۷

علاءالدینی، پویا، مهدیه مصطفی پورشاد و آزاده
جلالی موسوی (۱۳۹۰)، ارتقای وضعیت اهالی
سکونتگاه‌های غیررسمی ایران (مطالعه موردی:
بندرعباس)، در فصلنامه رفاه اجتماعی، سال
۱۱، شماره ۴۱، صص ۶۹-۹۲

مهندسین مشاور پارس آرایه (۱۳۸۸)، طرح
ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های
غیررسمی شیراز، شرکت عمران و مسکن
سازان فارس

هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲) (ترجمه و تدوین)، حاشیه
نشینی و راهکارهای ساماندهی آن، شهرداری
مشهد

Abbot, John (2002a), An Analysis of Informal
settlements Upgrading, an Critique of
Existing Mythological Approaches,
Habitat international, 26 pp 303-315

Ha, s-k (2007), Housing Regeneration and
Building Sustainable low-income
communities in korea, Habitat
International, 31, pp 116-129.

Perlman, Janice. E (2004), Marginality:
From Myth to Reality in the Favelas of
Rio de Janeiro, 1969-2002 in:
Roy, Ananya & Nezar
Alsayyad (Eds) (2003)

Sinha, Abhijat (1995), Community
development for effective slum
upgrading; case study : Indore Habitat
Project, Indore, India, School of